

سرشناسه	شمس الدینی، محمدهادی، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	مریی رشید/نگارش و تدوین محمدهادی شمس الدینی
مشخصات نشر	یزد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی(یزد) سپاه الغدیر، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۴۰ ص.
شابک	۱۰۰۰۰۰ ریال: ۲-۵-۹۵۴۶۱-۹۷۸-۶۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	رشیدی، محمدحسن، ۱۳۳۱ - ۱۳۶۲. -- دوستان و آشنایان -- خاطرات
موضوع	شهیدان مسلمان -- ایران -- سرگذشتنامه
موضوع	Muslim martyrs -- Iran -- Biography
شناخته افزوده	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی(یزد). سپاه الغدیر، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
رده بندی کنگره	۴۶/۹۸۴/۱۳۹۵/۸ش ۶۶
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۸۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۹۵۱۰۶

عنوان کتاب:	مریی رشید
نگارش و تدوین:	محمدهادی شمس الدینی
طرح جلد و صفحه آرا:	محمدهادی میرزابابایی
شابک:	۲-۵-۹۵۴۶۱-۹۷۸-۶۰۰
ناشر:	مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج سپاه الغدیر استان یزد
نویت چاپ:	اول - ۱۳۹۶
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
شماره ثبت:	۹۵-۴۸۰
قیمت:	۱۰.۰۰۰ تومان

فهرست

- ۷..... پیش‌گفتار
- ۱۱..... سر‌آغاز
- فصل اول: کودکی
- ۲۱..... بزرگ‌مرد کوچک
- فصل دوم: جوانی
- ۳۵..... قصه‌های جوانی
- فصل سوم: ازدواج
- ۴۵..... سفر
- فصل چهارم: کار و تلاش
- ۵۷..... یکتا، حسن‌بنا
- فصل پنجم: انقلاب اسلامی
- ۷۱..... الان وقته تظاهرات است، نه کار!
- فصل ششم: ورود به سپاه پاسداران
- ۸۳..... روزهای سبز
- فصل هفتم: حضور در جبهه کردستان
- ۱۰۵..... برای این روزها پاساژ می‌سازم
- فصل هشتم: حضور در دفاع مقدس
- ۱۱۳..... فرمانده ما
- فصل نهم: آموزش نظامی
- ۱۴۱..... مربی رشید
- فصل دهم: اعزام به لبنان
- ۲۱۱..... مهاجر
- فصل یازدهم: شهادت
- ۲۲۵..... من عاشق شهادتم
- ۲۴۷..... منابع
- ۲۵۱..... اسناد و عکس‌ها
- ۲۸۳..... راویان

♦ پیش‌گفتار

بسم رب الشهداء و الصديقين

با سلام و درود به روح پیرایه امام خمینی^(ع)، بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی و آرزوی سربلندی و سلامتی مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای^(مدظله العالی) در درون بی‌پایان به روان پاک و مطهر شهدای گران‌قدر انقلاب اسلامی و شصت سال دفاع مقدس، به‌ویژه سرداران و سه هزار و هشتصد و پنجاه شهید استان یزد.

بی‌شک یکی از دوره‌های سرافرازی ایران اسلامی دوران شصت‌ساله دفاع مقدس است که استکبار جهانی در جهت نابودسازی این نظام مقدس با تمام توان خود وارد صحنه شد، ولی عنایت حق تعالی و رهبری مدبرانه حضرت امام خمینی^(ع)، برکت خون شهدا و همت والای ملت مسلمان و فهیم ایران به جهانیان نشان داد که هیچ قدرت مادی

نمی‌تواند با یک نظام ولایتی مبارزه کند. در این دوران برای اولین بار در طول تاریخ این سرزمین، دشمن نتوانست حتی یک وجب از خاک کشور عزیزمان را جدا نماید و حضرت امام خمینی^(ع) توانستند با رهبری و تدابیر پیامبرگونه خود، بین اقشار ملت ایران وحدت و یکدلی ایجاد کرده و انقلاب مردم ایران را به قیام عاشورا پیوند دهند.

حضرت امام خمینی^(ع) برای اولین بار در روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۰ به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی اصطلاح «دفاع مقدس» را به کار بردن آن جایز است که در وصف رزمندگان فرمودند: «هیچ قدرتی به فضل خداوند متعال نمی‌تواند آنان را از دفاع مقدس بازدارد».

دفاع مقدس و جنگ هجده‌ساله به عنوان سند استقامت و پایداری ملت شریف ایران در محرابه تاریخ و خاطره زمان ثبت و ضبط است و بر بازماندگان دفاع مقدس لازم است که حماسه‌ها، رشادت‌ها و ایثارگری‌های آنان را که «مجهنم یاران امام حسین^(ع)» در راه حق جان‌فشانی نموده‌اند، زینب‌وار بازگو نموند تا نسل‌های آینده از رشادت‌های گذشتگان خود بیشتر بدانند و به آن افتخار کنند.

سپاه الغدیر استان یزد در نظر دارد به‌منظور انجام این مهم، اقدام به مجموعه‌ای تألیفاتی در این زمینه نماید که نمونه آن سند بر نقش استان یزد در دفاع مقدس باشد و با توجه به گستردگی این مطالب، تألیفات به پنج دسته تقسیم می‌گردد:

کتاب‌های دسته (الف): دربرگیرنده موضوعات شهادت‌طلبی مردم استان در تاریخ، شهدای استان در مبارزه با رژیم طاغوت، چگونگی

شکل‌گیری نهادهای انقلابی کمیته انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در استان، نقش آفرینی استان قبل از شروع دفاع مقدس به‌ویژه نقش سپاه پاسداران در استان، جریان حمله نظامی آمریکا به طبرستان، نقش استان در سیستان و بلوچستان، مأموریت استان در غائله کردستان و همچنین نقش رزمندگان استان یزد در دفاع مقدس قبل از تسکین تیپ ۱۸ پیاده سپاه الغدیر در مهرماه سال ۱۳۶۲ (به‌عنوان یک نقطه عطف در نقش استان در دفاع مقدس) می‌باشد.

کتاب‌های دسته (ب): شامل مجموعه تألیفاتی با موضوع نقش تیپ ۱۸ الغدیر در عملیات آفندی و پدافندی در دوران دفاع مقدس و کارنامه عملکرد آن در دفاع مقدس تاکنون.

کتاب‌های دسته (ج): شامل مجموعه تألیفاتی با موضوع نقش تک شهرستان‌های استان در دفاع مقدس (مثلاً نقش شهرستان ابرکوه در دفاع مقدس).

کتاب‌های دسته (د): شامل مجموعه‌ی تألیفاتی با موضوع نقش اقشار مختلف مردم استان یزد در هشت سال دفاع مقدس (جامعه پزشکی، دانش‌آموزان و فرهنگیان، طلاب و روحانیون، کسب و بازاریان و...).

کتاب‌های دسته (ه): شامل مجموعه اشعار، خاطرات، اسناد، زندگی‌نامه شهداء و رزمندگان استان و...

کتاب پیش‌رو از مجموعه‌ی کتاب‌های دسته (ه) است که به روایت زندگی‌نامه و همچنین خاطرات سردار شهید محمدحسن رشیدی پرداخته است.

امید است با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) و روح ملکوتی و پرفتوح امام راحل (ره) و شهدای گران قدر اسلام بتوانیم گامی هرچند کوچک در ثبت نمودن سند ولایتمداری مردم استان یزد در دوران پرافتخار انقلاب اسلامی ایران برداریم. از تمام ایثارگران و رزمندگان دفاع مقدس استان یزد قاضا داریم با همت عالی خود، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج سپاه الغدیر را در این امر مهم یاری رسانند.

**مرکز - حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج
سپاه الغدیر استان یزد**

♦ سرآغاز

«شهید محمدحسن رسیدی» یکی از اولین سردارانی است که در راه پیروزی اسلام و آرمان‌رهای مقدس، در لبنان و در نزدیکی مرزهای فلسطین اشغالی به شهادت رسید. او دومین فرزند از خانواده‌ای با هفت فرزند بود که در سال ۱۳۳۱ شمسی در روستای «عزآباد» از توابع شهرستان اشکذر در استان یزد به دنیا آمد. در همان کودکی به دلیل بیکاری پدر به همراه مادر و برادر بزرگ‌ترش به مکه‌الاستان، یعنی شهر یزد مهاجرت کرد. محمدحسن هنوز خردسال بود که به همراه با پدر و برادرش بر سر کار خشت‌مالی و بتایی و بعدها کار آوارزی حاضر شد و از همان کودکی طعم رنج و سختی را چشید.

با رسیدن به شش سالگی وارد دبستان شد؛ اما دست‌تنگی خانواده باعث شد که با پایان دوره ابتدایی، تحصیل را رها کند و وارد عالم کار و تلاش شود. اینگونه او دیگر نه تنها باری بر دوش خانواده نبود؛ بلکه

بازویی بود برای افزودن بر درآمد خانواده‌ای که حال با به دنیا آمدن فرزندان دیگر پرجمعیت شده بود.

در ابتدا کار بنایی را انتخاب کرد؛ اما پس از چندی دست‌هایش در تماس با سیمان، چاک چاک و ملتهب شد. چاره‌ای نبود جز آنکه به سراغ کار دیگری برود. شاگردی مغازه کفش فروشی هرچند به نسبت کار ساده‌ای بود؛ اما با اخلاق و روحیه محمدحسن سازگار نبود. غیرتش به او اجازه نمی‌داد که بایستد دم در مغازه و زنان نامحرم و بعضاً بی‌حجاب را برای خریدن کفش به آمدن به داخل مغازه تشویق کند و با آن‌ها دم‌کلام شود. در نتیجه با همان دست‌های ملتهبش به کار بنایی بازگشت.

زمانی که برای خدمت سربازی فراخوانده شد به دلیل التهاب دست‌هایش در کار بنایی، از خدمت معاف شد. گویی سرنوشت برای این جوان یزدی که حتی یک روز هم در موزش نظامی شرکت نکرده بود، آینده دیگری را در نظر گرفته بود. آمده‌ای که هیچکس نمی‌توانست آن را پیش‌بینی کند.

با معافیت از خدمت سربازی به سر کار بنایی بازگشت. کاری سخت و طاقت‌فرسا که از او شخصیتی زحمتکش و مقاوم و با اراده ساخت. به گونه‌ای که پس از چند سال کسب تجربه، به استادبنایی ماهر و پرتلاش تبدیل شد که همگی او را به تعهد و انصاف می‌شناختند. از دیگر ویژگی‌های استادحسن که بعدها و در تمام مراحل دیگر زندگی‌اش نمودی چشمگیر داشت پرکاری اوست. به این معنی که آن‌قدر در کار

بنایی پرانرژی و پرسرعت بود که تنها افراد ورزیده و پرتلاشی مانند خود او می‌توانستند شاگردش شوند و در کنارش کار کنند.

محمدحسن از تحولات کشور غافل نبود و نهضت اسلامی مردم ایران خیلی زود او را وارد فعالیت‌های انقلابی و مبارزاتی کرد. هرچند محمدحسن، کارگری ساختمانی و روزمزد بیش نبود، با این‌همه در روزهای اوج انقلاب کار را تعطیل می‌کرد و به همراه شاگردانش در صحنهٔ تظاهرات عظیم رژیم طاغوت شرکت می‌کرد.

دغدغهٔ محمدحسن برای حفظ و نگهداری از انقلاب اسلامی مردم ایران باعث شد پس از پیروزی انقلاب مدتی را همزمان با کار بنایی، به همکاری با کمیتهٔ انقلاب اسلامی بپردازد. طی آن مدت او صلابت و جدیت ویژه‌ای را در برخورد با اشرار و ضدانقلاب از خود نشان داد؛ اما این فعالیت‌های پاره‌وقت از دل‌نگرانی او از آینده انقلاب نمی‌کاست. به همین دلیل با اعلام تشکیل سپه پاسداران انقلاب اسلامی در یزد، خود را به این نهاد انقلابی معرفی کرد و علی‌رغم مخالفت ابتدایی مسئولان پذیرش، با جذب و به کارگیری او به دنبال تحصیلات گمشده در نهایت با اصرار و استدلال‌های او، با ورودش به سپاه موافقت شد. مدتی را در شهرهای یزد و اصفهان به آموزش‌های ساخت نظامی سپری کرد و در اولین مأموریت برای مقابله با ضدانقلاب به کردستان رفت. سپس برای پاسداری از فرودگاه یزد به آنجا مأمور شد. با شروع جنگ تحمیلی به همراه تعدادی از رزمندگان یزدی به سوسنگرد رفت. وی در عملیات‌ها و خطوط پدافندی مختلف به عنوان فرمانده گروهان

و گردان حضوری تأثیرگذار داشت. با توجه به تجربیات محمدحسن در جبهه و آموزش نیروها، به پیشنهاد مسئول وقت واحد آموزش سپاه یزد به عنوان مربی آموزشی وارد «پادگان آموزشی شهید بهشتی»^(۵) یزد شد.

انگونه بود که سرنوشت، از جوانی که روزی از خدمت سربازی بافا شده بود سرداری رشید برای سپاه اسلام ساخت و او را به بهترین مربی آموزش نظامی و فرمانده یکی از شاخص‌ترین پادگان‌های آموزش نظامی کشور تبدیل کرد. فرمانده‌ای که تمامی مربی‌ها و نیروهای آموزش پادگان از نخبگی و مهارت و جدیت او در آموزش خاطرات فراوانی به یاد دارند.

ویژگی‌های برجسته اخلاقی و نظامی محمدحسن سبب شد که پس از مدتی برای آموزش رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به این کشور اعزام شود.

لبنان در نیمه خرداد سال ۱۳۶۱ به اشغال نظامیان رژیم صهیونیستی درآمد. بهانه اسرائیل حضور نیروهای «سازمان آزادی‌بخش فلسطین» در لبنان بود. آمریکا نیز برای تأمین اهداف رژیم صهیونیستی در قالب «نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل» تفنگداران خود را وارد لبنان کرد. فرانسه و ایتالیا و انگلستان هم نظامیان خود را به این کشور جنگ‌زده اعزام کردند تا به اصطلاح نیروهای متخاصم را از یکدیگر جدا سازند و بر خروج ده هزار رزمنده فلسطینی از لبنان ناظر باشند؛ اما علی‌رغم خروج رزمندگان فلسطینی از لبنان، اسرائیل از خاک لبنان عقب‌نشینی

نکرد و آمریکا و کشورهای اروپایی نیز با خارج کردن پیش از موعد نظامیان خود، راه را برای جنایت اسرائیل در اردوگاه‌های فلسطینی «صبرا» و «شتیلا» باز کردند. در این حادثه صهیونیست‌ها با همکاری شبه‌نظامیان مسیحی لبنان (حزب فالانتر) که هم‌پیمان داخلی آنان به‌د بیش از ۳۰۰۰ زن و کودک فلسطینی را به خاک و خون کشیدن با این اتفاق «نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل» متشکل از تفنگ‌اراز آمریکایی، چتربازان فرانسوی و نظامیان دیگر کشورهای اروپایی بار دیگر به لبنان بازگشتند؛ اما این نظامیان به جای رعایت اصل بیطرفی، از برخی جناح‌های متخاصم در لبنان حمایت کردند. نیروهای آمریکایی در حدود سه دهه به اعمالی دست زدند که حساسیت مسلمانان را برانگیخت. ایستادگی‌های بازرسی در خیابان‌ها و اعمال گشت‌های نظامی در مناطق عربی بیروت و درگیری با مسلمانان از آن جمله بود. فرانسوی‌ها نیز به همین شکل خود را با مردم لبنان درگیر کردند؛ اما شیعیان لبنان بیکار ننشستند و برای مقابله با اشغالگری صهیونیست‌ها و مداخلات نظامی آمریکا و فرانسه دست به تشکیل اولین هسته‌های یک نیروی مقاومت مردمی مخفی زدند که سال‌های بعد به نام «حزبالله» اعلام موجودیت کرد.

رهبران مقاومت اسلامی به علت نیاز شدید شیعیان به آموزش‌های نظامی و عقیدتی خواستار کمک ایران به آن‌ها شدند. در همین راستا نیروهایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به منظور آموزش رزمندگان مقاومت در اواسط سال ۱۳۶۱ وارد شهر بعلبک لبنان شدند. پاسداران

در اردوگاه‌های مختلفی پراکنده شدند که مهمترین آن‌ها «اردوگاه جنتا»^۱ و «پادگان امام علی»^۲ بود. در چنین شرایطی محمدحسن در سوم مهرماه سال ۱۳۶۲ به عنوان مربی آموزش نظامی وارد لبنان شد و با همکاری دیگر مربیان سپاه، آموزش نیروهای مقاومت را آغاز کرد. بودام به لبنان با اتفاقات بسیار مهمی همراه بود. در روز اول آبان همان سال (۱۳۶۲) طی دو عملیات همزمان، «مقر تفنگداران دریایی آمریکا» و «پایگاه چتربازان فرانسوی» در بیروت مورد حمله دو خودرو بمب‌گذاری شده قرار گرفت که طی آن ۲۴۱ تفنگدار آمریکایی و ۵۸ نظامی فرانسوی کشته شدند. در پی این عملیات استشهادی، چهار هواپیمای جنگی اسرائیلی در تاریخ چهارشنبه ۱۳۶۲/۸/۲۵ بر فراز شهر بعلبک ظاهر شده و اردوگاه جنتا را بمباران کردند. در این حمله هوایی ۱۶ نفر از جمله ۳ مربی ایرانی به شهادت رسیدند. فردای آن روز یعنی پنج‌شنبه ۱۳۶۲/۸/۲۶ و تنها ۲۴ ساعت پس از اعلام «فرانسوا میتران»- رئیس‌جمهور وقت فرانسه- از عکس‌العمل نشرش نسبت به حادثه مقر چتربازان فرانسوی، ۱۲ فروند هواپیمای سوپراونان فرانسوی که از ناو هواپیمابر «کلمانسو» در ساحل بیروت برخاسته بودند به دره بقاع حمله کردند. در این حمله که در ساعت ۵ بعدازظهر به وقت بیروت آغاز شده بود، هواپیماهای فرانسوی به مدت ۳۵ دقیقه، پادگان امام علی^۳ و هتل قدیمی «خیام» را که محل استقرار نیروهای سپاه

۱. جنتا (Janta) روستایی است واقع در ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی بعلبک در نزدیکی روستای نبی‌شیت و در مرز لبنان و سوریه.

۲. این پادگان متعلق به ارتش لبنان و به نام «تکنه الشیخ عبدالله» معروف بود؛ اما به دست نیروهای مردمی فتح شد و به پادگان امام علی^۳ تغییر نام یافت.

یاسداران بود بمباران کردند. بعد از غروب آفتاب هواپیماهای فرانسوی حمله دیگری را از سر گرفتند که ۲۰ دقیقه به طول انجامید. در این حمله هوایی محمدحسن رشیدی به همراه ۹ ایرانی دیگر و تعدادی از نیروهای مقاومت به شهادت رسید.^۱

اول آذر سال ۱۳۶۲ پیکرهای ۱۳ شهید ایرانی این دو حادثه پس از تسبیح در لبنان و سوریه، به ایران منتقل شد و با حضور مسئولان لشکری و کشوری در مقابل مجلس شورای اسلامی تشییع شد. پیکر محمدحسن رشیدی در یک تابوت معرق کاری شده سوری با قطار به یزد آورده شد و برای چهارمیدان بار از میدان راه آهن یزد تا گلزار شهدای خلدبرین تشییع و در کنار شهدای جنگ تحمیلی به خاک سپرده شد. روحش شاد و قرین رحمت الهی باد.

کتاب پیش رو، حاصل تحقیق کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مصاحبه با خانواده و تعدادی از هم‌زمانان شهید محمدحسن رشیدی است. واقعیت آن است که در کمتر پروژه تسبیح شفاف‌سازی امکان گفتگو با تمامی راویان یک واقعه و آگاهان به زندگی این شخص حاصل می‌شود؛ مضافاً حتی ممکن است راویان یک خاطره نیز با یکدیگر

۱. برخی از هم‌زمانان شهید محمدحسن رشیدی که در آن زمان در دیگر مراکز فرهنگی و نظامی لبنان حضور داشتند معتقدند که احتمالاً او در حمله هواپیماهای اسرائیلی به اردوگاه جنتا به شهادت رسیده است؛ اما با مراجعه به روزنامه‌های محلی لبنان در آن تاریخ، نام شهید رشیدی در میان شهدای حمله هوایی اسرائیل دیده نمی‌شود. اسامی ۳ شهید ایرانی و ۱۳ شهید لبنانی این حادثه که نام آنان در روزنامه السقیف لبنان در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۲۷ منتشر شده عبارت است از: شهیدان علی باقری و محمدباقر رشیدیان و خداداد ملکی غفاری از ایران و شهیدان حسن علی الموسوی، حیدر علی دلا، رامز علی ناصیف، عباس حسین طلیس، عباس عیدو شمس، عباس محمد صالح، محمد احمد حمزه، علی زکی عوده، قاسم حسین صالح، قاسم عبد الحق صالح، یونس یوسف البزأل، عبدالکریم محمد الحلباوی، احمد المصری از لبنان. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شهید محمدحسن رشیدی در حمله هواپیماهای فرانسوی به پادگان امام علی^(ع) شهر بعلبک به شهادت رسیده است. گفتنی است که تعدادی دیگر از هم‌زمانان شهید که با او در لبنان حضور داشته‌اند بر این واقعیت صحه می‌گذارند. با این همه راه برای بررسی‌ها و تحقیقات میدانی دیگر در این موضوع باز است.

اتفاق نظر نداشته باشند. لذا درباره این کتاب هم این احتمال هست که افرادی باشند که درباره برخی از مطالب کتاب برداشت و روایتی مغایر دارند؛ اما فرصت گفت و گو با آنان دست نداده است. با این همه نظر ایشان نیز محترم است و می‌تواند روایت آنان در قالب اثری دیگر برای مخاطبان، خواندنی و آموزنده باشد.

در تهیه این مجموعه، اشخاص و ارگان‌هایی یاری‌رسان بوده‌اند که بر خود ابرام می‌کنم از همه آنان تشکر و سپاسگزاری کنم. بی‌شک اولین سپاس من را باید به روح بزرگ سردار شهید محمدحسن رشیدی است که شاهد همه اعمال ما از جمله این قلم است و امیدوارم که این اثر مورد تأییدش قرار گرفته باشد. از خانواده محترم شهید بزرگوار به‌ویژه همسر صبور ایشان بی‌نهایت سپاسگزارم. همچنین از جناب سرهنگ علی‌رضا رشیدی برادر محترم شهید که مجدانه در تهیه این اثر کوشیدند صمیمانه تشکر می‌کنم. از سردار حاج‌مهدی فرهنگ‌دوست، رئیس محترم مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج سپاه الغدیر استان یزد و جناب سرهنگ رضا پورشمسی، رئیس سابق این مرکز، نیز متشکرم. جهت کسب اطلاع از نحوه شهادت و موقعیت زمانی و مکانی آن، به مطالعه اسناد و گزارش‌های نزدیک به واقعه نیازمند بودم که آرشیو روزنامه‌های لبنانی السفير، النهار و اللواء این امکان را در اختیار من قرار داد. بی‌نهایت از همکاری آقای احمد رائد سلمان، معاون محترم مدیر مسئول روزنامه السفير و خانم دکتر نعمه خیرالله سرگروه نمایه‌سازی مرکز تحقیقات روزنامه

النهار صمیمانه ممنون و متشکرم. طرح جلد و صفحه‌بندی این کتاب با هنرمندی آقای محمدمهدی میرزابابایی انجام گرفته است که از ایشان نیز قدردانی می‌کنم. سپاس آخر من نیز از آن همسر است که همیشه در تدوین هرچه بهتر اثر همکار و همراه من بوده است. محمدهادی شمس‌الدینی
یزد- خرداد ۱۳۹۵

www.ketab.ir